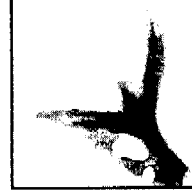
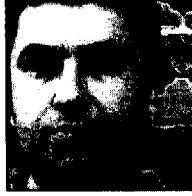


گلستانہ



نگاهی به نقاشی‌های علی بهشاد محتشمی - گالری شیرین
گزارشی نقاشانه از تمدن صنعتی



هنرها

علی بهشاد محتشمی، آگاهانه از تکنیک کلاژ در آثارش بهره گرفته است. و از کلاژ به عنوان صدای پس‌زمینه، پرسپکتیو صوتی و تصویری استفاده‌ای مفهومی کرده است. کلاژ، در آثار برخی از هنرمندان به عنوان بخشی از چشم‌اندازی که دنیای صنعتی آن را فراهم می‌سازد، مورد توجه قرار می‌گیرد. از چنین منظری، کلاژ، گونه‌ای از بیان تصویری است که محصول دنیای صنعتی و تولید انبوه است: بریده جراید، انواع عکس‌های مربوط به چهره‌های معروف، آدم‌های ناشناس، آگهی‌ها، کارت‌پستال و... صدها کالا و محصول مختلف که از چرخه مصرف خارج و به زباله تبدیل شده‌اند.



نکته حائز اهمیت در آثار علی بهشاد محتشمی استفاده هوشمندانه وی از یک عامل تصویری (که جنبه روایتی دارد) به عنوان تصویری مستقل در جوار بافت‌ها و کلاژهایش است، عامل تصویری در این آثار شامل: آدم، درخت، ماهی، بادبادک، کودک، گربه، بازی و... می‌شود که جلوه‌ای از صداقت، پاکی و صفای باطن و بی‌گناهی را القاء می‌کنند... گویی، هنوز هم در ساحل گنگ و گیج و شلوغ این دنیای بی‌رحم می‌توان نشانه‌هایی از صداقت و پاکی و نیالودگی یافت.

از آن‌جا که محتشمی به طور ویژه از تکنیک کلاژ بهره گرفته است، ضروری‌ست در این باره توضیح بیشتری عرضه شود: پایه و اساس کار در کلاژ به این صورت است



که هنرمند می‌تواند با تکیه بر ادراک تجسمی و ذوق پرورش یافته خود، از هر چیزی یک اثر هنری بیافریند. مثلاً از مصنوعات از کار افتاده،

خرده‌ریزه‌های دور و بر، اشیای دم‌دستی و حتی قراضه‌های مختلفی که از این‌جا و آن‌جا پیدا می‌کند، به عنوان سطح، رنگ، شکل و بافت، در اثر مورد نظرش استفاده کند. در تکنیک کلاژ، هنرمند به‌جای آن‌که بافت فلز، پارچه یا چوب را با نقاشی بر روی بوم نشان دهد، عین آن اشیاء و مواد مختلف را در اثر خود به‌کار می‌برد. بدین ترتیب، او بی‌آن‌که از مهارت نقاشی در اجرای اثر استفاده کند، موفق به خلق یک تصویر بدیع می‌شود. در میان هنرمندان شاخص که در تکنیک کلاژ، تخیل بارور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





و فن چشمگیر داشته‌اند می‌توان به ژان دوبوفه و ماکس ارنست اشاره کرد. ژان دوبوفه در کلاژهایش به امکانات هنری مکنون در مواد طبیعی و مصنوعی و قراضه‌ها و خرده‌ریزهای میان خرابه‌ها و پیاده‌روها نظر داشت. وی بسیاری از آثارش را با خمیر کاغذ، برگ توتون، بال پروانه، ورقه فلز کهنه، پوست برخی میوه‌ها، ته مانده زغال، خاک و ماسه به‌وجود آورده است. رویکرد هنرمندان به تکنیک کلاژ، دلالتی است بر تنزل مقام «رنگ روغن» به‌سود اهمیت «مواد تقاله‌ای» و «قراضه‌های جهان صنعتی» تمدن صنعتی. به‌طور خودکار مقادیر بسیاری از انواع فضولات و تقاله‌ها را تولید می‌کند، ته‌مانده‌هایی از مواد مصرفی یا خوردنی که در عین حال می‌توانند حاوی گزارش‌هایی تصویری باشند که بر ذهن مصرف‌کنندگان نقش بسته است. ژان دوبوفه با اشتیاقی وقفه‌ناپذیر انواع زباله‌ها را به‌جای رنگ یا توأم با رنگ در نقاشی‌هایش به‌کار می‌برد. او همچنین از دستاوردهای هنری دیوانگان نیز وام فراوان می‌گرفت. ژان دوبوفه معتقد بود که دیوانگان نیز جزیی از ته‌مانده‌های «دفع شده» اجتماع به‌شمار می‌آیند. در واقع، دوبوفه با آثار خود می‌خواست بگوید که جالب‌ترین چیزهایی که تولید می‌کنیم - خواه انسانی، گیاهی یا کانی - همان‌هایی هستند که نادیده می‌گیریم یا به دور می‌اندازیم.

تکنیک کلاژ، مولود جهان صنعتی و تولید انبوه است. با ترویج کلاژ، رنگ روغن جایگاه و کاربرد بلندپایه خود را پس از پانصد سال سنت نقاشانه اروپایی از دست می‌دهد تا فضولات صنعتی، زباله، خاک، سنگریزه، مواد کانی و... به «کار ماده» (material) نقاشی تبدیل شود. در این فرایند، گرچه برخی از اندوخته‌های سنتی و آکادمیک نقاشی نادیده گرفته می‌شود، ولی از سوی دیگر، طرح ریزی‌ها و مضامین تازه‌ای متناسب با دنیای صنعتی مطرح می‌شود، که بی‌شک دشواری‌های فنی ناشناخته‌ای را پیش‌پای هنرمند قرار می‌دهد.



هنرمند وقتی از تکنیک کلاژ استفاده می‌کند که بخواهد گزارشی مصور از تمدن صنعتی عرضه کند. تمدن صنعتی با بجا گذاشتن انبوهی از تفاله‌ها، فضولات صنعتی و ته‌مانده‌های مواد مصرفی، مضمون جدیدی برای هنرمندان فراهم ساخته، که تنها با تکنیک کلاژ به بیان درمی‌آید. و یا زمانی که یک نقاش بخواهد به اشیاء و موادی خیره شود که بی‌مصرف مانده و به علت ورود اشیای تازه‌تر، از دایرهٔ احتیاجات روزانه به بیرون پرتاب شده باید از این تکنیک استفاده کند.

□

